از گفتمان انقلاب اسلامی تا گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی

دکتر حمیرا مشیرزادهٔ ۱

hmoshir@ut.ac.ir

۱ دانشیار روابط بین الملل و عضو هیات علمی دانشگاه تهران
چکیده

یکی از پیامدهای مهم انقلاب اسلامی و شاید یکی از چشمگیرترین تحولاتی که دوران پس‌انقلاب را از دوران پیش از آن متمایز می‌کند سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. برخی حتی ممکن است تا جایی بیش روند که گویند سیاست خارجی یکی از ارکان مهم هویت بخش جمهوری اسلامی است و بر همین اساس، شاید بتوان آن را به درستی از کانویهای مهم مطالعات پس‌انقلابی قرار داد. این مقاله تلاشی است در جهت فهم تأثیر تكوینی انقلاب اسلامی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی با استفاده از شکل ساده‌شده و محدودی از رویکردهای تحلیل گفتمان، این تأثیر در جوایزی دال به اصلی استقلال، مقاومت، و عدالت و نیز دگرگرایی‌های شکل گرفته در فرآیند انقلابی نشان داده می‌شود.

واژگان کلیدی

ایران، انقلاب اسلامی، گفتمان، سیاست خارجی.
مقدمه
انقلاب اسلامی ایران را از مهم‌ترین رویدادهای سده بیستم می‌دانند و این از یک سو به دلیل اهمیت تحولات داخلی ایران در جریان انقلاب و پس از آن است و از سوی دیگر ناشی از تحولات است که با وقوع انقلاب اسلامی در سطوح منطقه‌ای و جهانی شکل گرفتند و به نوعی در پیوند با این روابط قرار می‌گیرند. یکی از بیشترترین مهم‌انقلاب اسلامی و شاید یکی از چشمگیرترین تحولاتی که دوران پس‌انقلاب را از دوران پیش آن متمازی می‌کند سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. برخی حتی ممکن است تا جایی پیش روند که بگویند سیاست خارجی یکی از ارکان مهم هویت بخش جمهوری اسلامی است و بر همین اساس، شاید بتوان آن را به آن درستی از کانویه‌های مهم مطالعات پس‌انقلابی قرار داد. دغدغه‌ی در روابط ایران با کشورهای منطقه‌ای و جهانی پیامدهای مهم برای منطقه پیرامونی ایران و نیز بخش‌هایی از معادلات جهانی داشته است و در نتیجه برای رشد روابط بین الملل نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است.

یکی از خصوصیات مهم که در تحلیل سیاست خارجی ایران باید به آن توجه داشت این است که "روابط بین المللی ایران بسیاری از تعاریف بذرپرته شده منافع ملی را به چالش می‌کشد" (ملکی، 1387: 10). به بیان دیگر، سیاست خارجی ایران ووجه متمایزی با سیاست خارجی سایر دولت‌ها دارد و در نتیجه همیشه به سهولت نمی‌توان آن را در قابل روبروی‌دار مسلط رشته روابط بین الملل همچون واقع‌گرایی تبیین کرد. مدعی اصلی این مقاله آن است که این موضوع از ابتدا تاکنون را امکان‌پذیر ساخته که برساخته شدن آن در ارتباط گفتگونی انقلاب اسلامی است. در ادامه، پس از بررسی اجمالی آثار مربوط، نخست اشاره‌ای به تحلیل گفتگونی از بعد نظری و روشنایی می‌شود. سپس، ابعاد مختلف گفتگونی انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش سوم به بررسی گفتگونی سیاست خارجی جمهوری اسلامی اختصاص دارد. بخش چهارم که نتیجه‌گیری مقاله نیز هسته به رابطه بین این دو گفتگونی می‌پردازد.
مرور آثار

پی ترکی بذایی در سال های نخست پس از وقوع انقلاب، بیانه انقلاب اسلامی و تبیین و تفسیر آن از مهم ترین حوزه های مطالعاتی در جامعه شناسی و علم سیاست هم در ایران و هم در سایر کشورهای جهان بود. تلاش شد بسیاری از نظریه های انقلاب در این مورد به بوته آزمون نهاده شوند و/یا در سه های برای نظریه بردازی انقلاب از این روند داد می‌کنند. Skocpol 1982; Bashiriye 1984; Foran 1993: 354 ff; Parsa 1989 (در مورد سیاست خارجی ایران در دوران پس از انقلاب آثار متعدد و متنوعی به رشته تحریر کشیده شده است. در برخی از آنها سیاست خارجی ایران مستقل از بقیه انقلاب اسلامی و از منظوره های عمدتاً مادی- گرابانه چون واقعیت تبیین شده و معمولاً موضوعاتی چون امنیت، منابع مادی، موازنه بخشی مطرح شده که طبقاً در روابط خارجی دولت ها یاپک و پژوهان (از سمت خارجی در چارچوب دولت بودگی (statehood) در نظام بین الملل مدرن مدار نظر دارد. در بخشی دیگر از آثار که به عوامل هنری توجه شده، گاه تمکن بر هنجرهای بین المللی است که زاویه‌ای دیگر از دولت بودگی در نظام بین الملل (در چارچوب معاونگری از این نظر دارد.

اما با توجه به ویژگی های خاص سیاست خارجی جمهوری اسلامی، بسیاری از پژوهشگران در این زمینه که بدون توجه به عوامل معنایی در سطح داخل نمی توان به سهولت به تصویر دقیق از سیاست خارجی ایران پسانقلاب و پیچیدگی های آن دست یافت. حتی با روش‌های واقعی و نوکلیسیک که در آن به عوامل ادراکی توجه می شود تلاش شده نفس رویکردی مادی گرا در تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی مرتفع شود (مثل پنج سال به سیمرغ و صبحی مقدم لاکانی، 1394). در رویکردهای معنی‌بردار بطور خاص به عناصر هنری داخلی و لاجرم به تأثیرات انقلاب اسلامی توجه می شود که از جمله می توان به آثاری اشاره کرد که در آنها به تأثیر دین (حیرانی- نیا 1387)، انطباع مهم عنصر دینی- انقلابی و مصالح (ظریف و سجادی، 1393) عنصر قدرت نرم جمهوری اسلامی (جمال زاده، 1391، افتخاری و جانی بور 1392، رهمت، نجات پور، موسوی نژاد، 1394، امینی هستی،شاکی (دهقانی، نیازی- آبادی 1388).
تحلیل گفتگو

در مقابل روزگارهای تبدیلی به یکدیگر در صورتی که در آنها عمداً به سوال‌هایی از نوع «چرا» باشند و مسأله‌ها و توجه نظریه و روش به اجرای رابطه میان متغیرها و به یکی توضیح «رابطه علیه» است، در مجموعه روزگارهای تکونی (constitutive) به یکی از سوالاتی باشد که چنین ساختار با پاسخ داده می‌شود. در انجا هدف اجرای رابطه علیه نیست، بلکه هدف آن است که چغونه پیداکند امکان پذیرش و به گونه‌ای است که هست و نه به شکلی دیگر (بنگرید به ونگ ۱۳۸۴: ۱۳۸۴). در حوزه تحلیل سیاست خارجی این به شکل توضیحی تکونی از سیاست خارجی رخ می‌نماید. تحلیل گفتگو از روزگارهای اصلی برای توضیح تکونی سیاست خارجی و دوک میان آن و چگونگی ساخته شدن منعیت. بینای اصلی این روزگار توجه به همیت و فردیت زبان است (۹۴: ۲۰۱۲). این نوع تحلیل لزوماً انتقادی یا پاسخ‌گویی گرایانه نیست و می‌تواند به‌خیال از سازمان‌های متعدد نیز باشد (مشیرزاده ۱۳۹۷: ۸۷). هنگامی که از گفتگو سخن می‌گوییم، منظورمان به یکی میشل فوکو نظام‌های زبانی است که «معنا از طریق آنها تولید می‌شود» (به نقل از ۹۵: ۲۰۱۲). به بیان دیگر، گفتگو
مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط به هم است که به آن‌ها «واقعیت» تلقی می‌کنیم. شکل می‌دهد و قلمروی از چهار را برا در معاون می‌سازد. گفتگو با تحلیل گر گفتگو به یک اعتبار و در بررسی هر مدل متفاوتی با توجه به اهداف تحلیلی خود بررسی می‌شود. مواد اصلی سازندگان مفاهیم است که کنشگران اجتماعی در معاون می‌سازند کردن چهار به آن‌ها می‌تواند می‌شود و معنی‌های خاصی را در ترکیبی که از این مفاهیم و ارتباط آنها با یکدیگر شکل می‌دهد می‌قرار دهد. گفتگو با در جزایری نامی از ناب‌تازی روز می‌دهد که گفتگویی در یک حرزبا سایر گفتگویی در جوزه‌های دیگر روی انسان‌ها و عناصری که تعیین دقیق ندارند و معنی‌هایشان با قوی سیال است. با عناصر گفتگویی دیگر با تعیین می‌شود و این بخصوص در شرایط گسیختگی و پی‌نمایی و بحوره که گفتگویی مسلط یا برداشت‌های را داشته‌بوده شد است روی می‌دهد (ناب‌تازه مشاهده ۱۳۹۷:۸۲-۸۳، ۲۰۰۷ Nabers). اساساً گفتگویی در خلاه به وجود نمی‌ایند و با سایر گفتگویی در رابطه هستند. به بیان اولی وی‌ور (Wæver ۱۹۹۶) گفتگویی در جوزه‌های موضوعی خاص مانند سیاست خارجی، لایه‌های هستند و هر یک در خود یا از یکی به یکی متفاوت داشته باشند در لایه‌های سطحی قبلی به‌طور هم‌کننده گفتگویی هستند که «خود» (Self) و «دیگر» (Other) را از طریق (۸۴: ۱۹۹۹). گفتگویی هستند که «خود» (Self) و «دیگر» (Other) را از طریق

۱ مفصل‌ترین فراوانی است که از طریق آن نشان‌های به هم «جوش می‌خورند» تا یک نظام معنایی شکل‌گیرد (ناب‌تازه: هوازی ۱۳۷۷: ۱۵۶).
از گفتنان انقلاب اسلامی تا گفتنان سیاست خارجی جمهوری اسلامی

ِيّطٜ ٞای ٞٓ (equivalence) و تفاوت (difference) (برمی سانزند و در نتیجه Laclau and Mouffe 63) دوست و دشمن، خودی و دیگری را شکل می‌دهند (بنگرد به 1986؛ هنری و آزمی 1392: 110). در نتیجه می‌توان از تحلیل گفتنان به خوی برا یابیده‌های سیاسی و اجتماعی و از جمله انقلاب‌ها و سیاست خارجی استفاده کرد. آنچه در این مقاله مورد توجه بیشتر قرار می‌گیرد چگونگی ساخت خود و دیگری است. یک سو مفاهیمی که بر اساس آنها خود تعیین می‌شود و مربوطی آن با دیگران را روشن می‌کند مورد توجه قرار می‌گیرد و از سوی دیگر خصوصاً از خیال انقلاب چگونگی بررسی‌های شدن «دگرها» انقلاب (در سطح بین‌المللی) مشخص می‌گردد. سپس همین امر در مورد سیاست خارجی بیپی‌ری می‌شود و نشان داده خواهد شد که چگونه خود و دیگری ساخته شده در فرآیند انقلاب به شکل خود و دیگری سیاست خارجی پاسخ‌گوی قوم داده است.

تحلیل گفتنان به نه تنها نوعی نگاه نظری محصول می‌شود بلکه باید آن به مثابه روش نیز نگروست. تخمینی گام در روش تحلیل گفتنان، تشخیص گفتنان است که می‌توان آن را در متن‌های معمولاً بی‌معنا (به معنای بسیار عام) و روی آن (باز هم به معنای عام) یافته. در نتیجه، اولین گام یافتن متن‌های مرتبط است. در مورد گفتنان انقلاب اسلامی می‌توان به مجموعه شعراً انقلاب و اطلاعات و اعلام‌ها و اطلاعات‌ها به عنوان متن اصلی نظر داشت. در مورد گفتنان سیاست خارجی، با وجودی که در تحلیل گفتنان معمولاً نیازی به تحقیق گفتنان به قلمرو گفتنان رسمی نیست و رسانه‌ها و حتی فیلم‌های سینمایی و رسانه‌های می‌تواند قلمرو شامل گفتنان سیاست خارجی محصول شود (بنگرد که 2012: هانسن)، می‌توان به قلمرو رسمی نیز به‌سنده کرد و متوانی چون قانون اساسی و سخت‌نگاره را مد نظر قرار داد.

در وله‌ها بعد لازم است داله‌ها و مفاهیم اصلی استخراج شود (که در اینجا تا جابی که می‌توان با سیاست خارجی ارتباطی را تصور کرد نگاه به گفتنان انقلاب‌ها بی‌معنای بوده می‌شود). در تحلیل گفتنان، از روش‌های متفاوتی برای یافتن رابطه میان مفاهیم و معنا‌دار شدن متن استفاده می‌شود که از جمله می‌توان به تحلیل اسنادی به معنای یافتن رابطه میان مفاهیم در چارچوب استندات (صفت‌ها و (attributive)
گفتمان انقلاب اسلامی

از منظر تحلیل گفتمان، هر پدیده‌ای برای معناداری شدن باید گفتمانی باشد. انقلاب اسلامی نیز پدیده‌ای معنادار است که می‌توان آن را به عنوان یک گفتمان دید. این گفتمان مجموعه‌ای از مفاهیم (به شکل دلال، عنصر و لحظه) است و طباعاً می‌تواند یک بینامتین (intertext) تلقی شود. زیرا معناً آن از روش رجوع به سایر متن‌ها گفتمان ها حاصل می‌شود. دال مرکزی انقلاب اسلامی، که سابیر مفاهیم در پیوند با معنا می‌یابد و باهم ارتباط پیدا می‌کند، خود «انقلاب اسلامی» است. ۲ مفاهیم انقلاب چه در مفهومبندی آن در متن آکادمیک و چه در متن فرهنگ عمومی در خود معناً یا جوی مقام‌ت از پربر ساختار سلطه، رهایی از سلطه، گسترش، تغییر، تحویل را دارد. اسلام نیز خصوصاً در جارچوب گفتمان تشیع مورد استناد در فراکرات اقلاد و پس از آن متقی بر پیشینه تاریخی سیستم‌سازی و عدالتخواهی و استطروه‌های مقام‌ت است که به طور خاص در بیانات و سخنرانی‌ها و آثار برخی علما و نویسندگان در سال‌های پیش از انقلاب که در واقع بیش از همه در

1. در مورد روش‌های تحلیل گفتمان بنگردید به میلیکان ۱۳۸۵.
2. هنری و ازرمی (۱۳۹۲) الیه دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی را ادام خمینی و اسلام سیاسی فقاهی می‌دانند که الیه به نظر می‌رسد برداشت ایشان از دال مرکزی و یا شاید برداشت آنها از آنچه انقلاب اسلامی می‌نامیم با انچه در اینجا مارد است نفت‌دارد.
شکل دادن به بخشی از گفتمان انقلاب اسلامی شکل داشتهند؛ نمود بیدر می‌کند. در این میان، شاید بتوان امام خمینی (ره) را مسئولیٖن مؤلف گفتمان انقلاب اسلامی تلقی کرد و همچنین بايد به نقش مرحوم علی شریعتی توجه داشته. دوگاه‌هایه چون تشیع علوی (تشیع انقلابی)، تشیع صفوف، حسینیان/بی‌پدیدان، لیداسیون و هنگلی، بازگشت به خویش، صبر انقلابی (مقامات)/تسیلیم (سکوت)، انقلاب/ارتجاع، عدالت/ظلم، توحید/برک، استقلال/واست‌گئی، تضاد میان شخصیت‌هایی که این دوگاه‌ها را نامیدندگی می‌کردند: هادی/اقبی، امام علی (ع)/معاونه، امام حسن ع(ع)/یزید/حضور زینب(س)/یزید/رهبر انقلاب/شاه، استقلال/واست‌گئی و مانند این‌ها (به عنوان نمونه، بنگرد به: امام/خمینی، شریعتی/۱۳۷۴، شریعتی/۱۳۷۸) انثاب و یژگی‌ها و صفایی را به خود و دیگری در بر دارد که مرز میان این دو هستی آنها را مشخص می‌کند: از «دیگری» مشرویت‌زاپایی می‌کند؛ و مشرویت «خود» را نشان می‌دهد. این‌ها می‌توانند هم در بعد داخلی و هم در بعد بین الالهی معنی‌دار باشد و خود و دیگری‌های داخلی و خارجی و حتی رابطه آنها (خود داخلی و خود خارجی/دیگری-های داخلی و دیگری‌های خارجی) را با هم بررسی‌ند. در این میان، به نظر می‌رسد استقلال، مقاومت و عدالت سه دال مهمی‌هستند که بعداً در قواعد قوام‌بخش سیاست خارجی و نیز رفتار سیاست خارجی پس‌انقلابی بدلیل پیدا می‌کند و خود را در تقابل با دیگری که واست‌گئی، سازشکاری و بی‌عدالتی و ظلم خاصیات آرا تشکیل می‌دهند تعیین می‌کند.

در شعارهای انقلاب نیز این سه دوگاه‌های مهم تعريف كننده خود انقلابی در این برادری گذاری‌های نشان دهنده که ۵/۹/۵ درصد از مجموعه شعارهای معروف به اهداف و ارزش‌ها به شعارهای فرهنگی مریب می‌شود و ۹/۷ درصد آنها با محوریت دال اسلام/دنی است. در این میان، توجه به استطارهای دینی ۱۷ درصد و شهادت و فداکاری بیش از ۴۱ درصد را در بر می‌گیرد (پیشنهاد ۱۳۷۹:۲۷). این استطاره‌ها و نیز تأکید بر شهادت و فداکاری متضمن مفهوم مقاومت است که در قالب شعارهایی چون دین ما حسینی است، دین ما دینی علی است، راه ما تا ابد راه زینب است، سکوت هر مسلمان خیانت است، است به قرآن، و...
استقلال در شعرهای انقلاب گاجیه ویژه‌ای دارد. از معروف‌ترین و پرسامدترین شعرهای انقلابی شعر «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و «نه شریک، نه غربی، جمهوری اسلامی» اهمیت محوری استقلال را نشان می‌دهند. از مجموع ۸۴۳ شعر مربوط به وضعیت موجود در زمان شناسایی شده توسط پژوهشگران انقلاب، ۲۷ شعر یعنی حدود ۲/۳ درصد از شعرهای معتوبه به بیان ناراضیاتی از وابستگی رژیم و شاه به خارج بوده است (پنالی ۱۳۷۹: ص ۷۴). این به معنا می‌آید ارتباط بین دیگری داخلی و خارجی یا سرزمینی و فراسرزمینی (حسین‌زاده ۱۳۸۶: ص ۱۴) و مشروطیت‌زاپی از هر دو و نیز ترسیم مرز میان خود و دیگری و ایجاد محدودیت برای خود در نوع رابطه با دیگری خارجی است. این وابستگی عمداً مطوفه به امریکا و نیز اسراییل و سپس بریتانیا و گاه شوروی و چنین است: این شاه امریکایی بعاد باید گردد؛ این شاه امریکایی اخراج باید گردد؛ این شاه امریکایی نابود باید گردد؛ شوروی، امریکا، انگلیس همدست شاه ابیلس؛ امریکا، اسرائیل همدست شاه جلالدی؛ امریکا، انگلیس یاور مستریان (به عنوان نمونه، بنگرید به پنالی ۱۳۷۹: ص ۶۲، ۱۴۶). این وابستگی دیگری/دشمن داخلی به دیگری خارجی به معنای دشمن شدن ایست: امریکا، امریکا دشمن کشور ما؛ شوروی و امریکا دشمن خلق ما؛ امریکا، ارتجاع نابود باید گردد و ... همچنین میان استقلال و اسلام نیز بیوند برقرار می‌شود: استقلال، این است نداش قرآن (بنگرید به پنالی ۱۳۹۲: ص ۴). در عین حال، در معناها و سیگن‌نت نیز زمینه این دیگری سازی و دشمن تلقی کردن آن را می‌توان در قابل عدلت و مقابلباً ظلم به عنوان درون‌مایه دیگر شعاعهای انقلاب دنیای کرد. دیگری به عنوان ظلم تعفیف می‌شود و خود در جستجوی عدلت است: هر ظلمی بیپایید به‌پذیره دارد، علیه ظلم و ستم اقدام باید گردد. از یک سو، دیگری داخلی ظلم است و با استععارهای از استقلال تاریخ هم ستمبر حرکتی به‌پذیره شد و داد و شداد به‌پذیره شد، مقابل پهلوی ظلم خود حاشا کند. این ستمبر حرکتی در قابل
از گفتمان انقلاب اسلامی تا گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی

جنايتکاری (این شاه برجانایت اعدام باید گردد)، این سنده جنایت پهلوی است، سرکوبگری و استبداد (استبداد محكوم است؛ استثنامداری (استثنام نابود است) و
سابر استنادات بازنمایی می‌شوداز‌سوز‌دیگر، این دیگری فقط ظالم داخلی نیست؛ بلکه
ستمگراوی در سطح جهانی نیز هستند که با او هم‌ماند و یا همبیمان هستند و دیگری
فراسرزمینی به عنوان منشأ ظلم در جهانی فراتر از ایران دیده می‌شود و به طور خاص
در اینجا امریکا مخاطب اصلی است: امریکا، امریکا حاضر دوکیان‌اند؛ امریکا این جانب
گوجهار؛ امریکا دشمن زحمتکشان، حاضر طارتگان؛ امریکا مظهر ظلم و جنایت;
امریکای طارتگان؛ امریکای جهنخاروا؛ دشمن ملت کاتری طارتگر است! این استنادات
عنی ستگری، جنایتکاری، طارتگری و حمایت از طارتگان، خصوصت با مستضعفان، و
امریکا را به عنوان مظهر سنت بین المللی برمی‌سرد و در نتیجه عادل‌جوی مستلزم
مبارزه با آن تلقی خواهد شد. اسراییل نیز به همین ترتیب به عنوان مستمرگ در قابل
شعارهایی چون اسراییل ستمگر نابود گردید؛ اسراییل لکه نگ کنن تاریخ بازنمایی
می‌شود.

گاه نیز خود بست می‌باید و شامل خود مظلوم و ستمدیده و عدلت‌جوی
فراسرزمینی است که در برای دیگری فراسرزمینی ستمگر قرار می‌گیرد. این تقابل در
قابل دورگاه مستضعفین و مستکبرین/امریکاپایسم متجلی می‌شود؛ گاه در قابل پیوند
ظرام داخلی و خارجی؛ و گاه نیز خود و دیگری فراسرزمینی مشخص: جبهه
مستضعفین عليه امریکاپایسم تشکیل باشد گردید؛ مرگ بر امریکا دشمن زحمتکشان;
درود بر خمینی حامی مستضعفان؛ مرگ بر امریکاپایسم؛ همه عليه استبداد و استعمار;
فلسطینی می‌زند، اسراییل می‌وزد؛ اذادی فلسطینی، رهایی محروم‌اند؛ آتش انقلاب
فلسطین خاموش نشدنی است؛ فلسطینی همرزم راه مایه؛ ایران، فلسطین
متحد خلق می‌کند؛ اسراییل، امریکا نابودند، فلسطین، ایران پرپر، فلسطینی، ویتنام
متحد خلق می‌کند؛ ویتنام سمل پیکار ما (بنگ‌کونه پنالیه 1392، فصل ۴ خسارت‌زاده
1386: ۱۴). به این ترتیب، تا آن‌جا که به برخاسته شدن خود انقلابی در گفتمان انقلاب
پاژم‌گردید، این خود با سه خصوصیت اصلی استقلال طلبی، مقاومت و عدالت‌جویی
تعريف می‌شود که هم شامل خود داخلی و هم خود جمعی جهانی است و دیگری های...
گفتیم سیاست خارجی جمهوری اسلامی

فرایند انقلابی با پایان یافتن آنچه چارلز تیلی (1978) «حاکمیت دوگانه»

می‌خواند به پایان می‌رسد اما با برگزاری همه‌پرسی جمهوری اسلامی در فوروردین ۱۳۵۸ و شکل گرفتن قانون اساسی است که جمهوری اسلامی شکل می‌گیرد و مستقر می‌شود و می‌توان از سیاست خارجی جمهوری اسلامی سخن گفت. می‌توان گفت متن قانون اساسی جمهوری اسلامی قواعد تکنیکی سیاست و حزب‌الله در ایران پس از پیروزی ارائه‌کننده می‌کند و در نتیجه می‌توان قواعد تکنیکی سیاست خارجی را که مورد همواره دوست هست نیز از آن استخراج کرد. این قواعد که در پیوند با گفتیم اسلامی و انقلابی هستند و در بالا به آنها اشاره شد، در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد در متن قانون اساسی بالا مستقل که در بالا به آن در فرایند انقلاب اشاره شد، بیش از هر چیز مورد تأکید است. در کنار آن، عدالت جویی در قانون اساسی تا چنین که به سیاست خارجی مربوط می‌شود هم به شکل تأکید بر قسم و عمل‌دیده می‌شود و هم خود را در اصل حمایت از مستضعفان چهار نشان می‌دهد. مقام در متن قانون اساسی کمتر به شکل مستقیم مطرح می‌شود اما تأکید بر انقلابی بودن، استمرار مبارزات، و نیز پروردگی بودن استقلال (که لاجرم حفظ و پیشبرد آن مستلزم مقاومت است) آن را به شکلی تلویحی در خود دارد.

در مقدمه قانون اساسی آمده است: «قانون اساسی با توجه به مححوالی اسلامی انقلاب ایران ... زمینه‌ته تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند بعیوژه در گسترش روابط بین المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا استمرار مبارزه در نجات ملل مکرون و تحت ستم در تمام اجهان قوام یابد.» در اینجا ارجا به اسلام و انقلاب است که صراحتا با عدالت جویی و مقاومت در پیوند قرار می‌گیرد.
در اصل دوم آنده است: «جمهوری اسلامی نظامی ایست بر یاپه ایمان به خداو یکتا
و هر کسی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قفق و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و
اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.» این اصل، نیز بار دیگر در پیوند
با اسلام. پی‌جویی عدالت و استقلال را یاپه هوابی جمهوری اسلامی قرار می‌دهد.
طبق اصل سوم، از ظالم دوست جمهوری اسلامی، «طرد کامل استعمار و جلوگیری
از نفوذ اجانب ... حفظ استقلال و تمامیت ارضی ... [و تنظیم سیاست خارجی کشور بر
اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت به دریغ از
مستضعفان جهان» است که باید به معنای کشتاره‌گذاری (juxtaposition)
عدالت جویی جهانی است.
بر اساس اصل 152، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفتی هرگونه
سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از
حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در این قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز منتفی
با دولت غیرممحب استوار است.» در اصل 153 قراردادهای منجر به سلطه بیگانه بر
منابع کشور ممنوع اعلام شده است. اصل 154 حمایت از مبارزات مستضعفین عليه
مستکبرین را مورد تأکید قرار می‌دهد. این اصول نیز بار دیگر استقلال و عدالت جویی و
مقاومت را به عنوان دالهای پایداری در سیاست خارجی پررنگ می‌کند. به این ترتیب
در کل، در قبالقانون اساسی، هیأت جمهوری اسلامی بر اساس این سه خصوصیت که
برای تعیین «خود» جنبه تكوینی می‌یابد تعريف می‌شد.
با این توجه داشته که همه این اصول و این ویژگی‌ها در پیوندی بین‌ماندنی با متن
دیگر و نیز تجربه تاریخی قرار دارند که از آن جمله می‌توان به اصول فقهی مانند اصل
نفو سیل (عدم سلطه مسلمین) و رابطه آن با استقلال، تاریخ مداخلات بیگانه در امور
ایران و سهم آن در مشکلات کشور حداکثر از اولین قرن نوزدهم؛ اصل عدالت و نفو ظلم
بخصوص در تشیع و نیز باور به امت واحده اسلامی و حمایت از مستضعفین و در همسین
چارچوب بحث صدور انقلاب و رابطه آن با تأکید بر عدالت جهانی؛ و آیات و روايات
مرتبت با استقامت و تلقی از تاریخ تشیع به عنوان تاریخ مقاومت همراه با استدلالهای
جهان کریلا، امام حسین (ع) و مانند آن و رابطه آنها با مقاومت اشاره کرد (بنگرید به)
(Moshirzadeh 2010)

در مورد گفتگوی های سیاست خارجی ایران بحث‌های زیادی شده و تفسیم‌بندی‌های
متفاوتی صورت گرفته است. تشخیص سه گفتگو حفظ‌محور، بسط محور و رشدمحور
(ناجی‌کی و دهقانی فیروزآبادی ۱۳۸۲)، یکی از نخستین تلاش‌ها در این زمینه بود. اما
توجه به گفتگوی سیاست خارجی در هر یک از دوره‌های ریاست جمهوری شکل دیگری
از نگاه گفتگوی به سیاست خارجی است. که در آن گفتگوی‌هایی چون توسعه‌گرای
سیاست‌محور (خانمی)، اصول گزاره عدل‌الشور (احمدی‌نژاد) و اعتدال‌گرایی عامل محور
(روحانی) مطرح شده است. (جعفری و جانباک ۱۳۹۵،) با تأکید بر دوره پس از حاکمیت
گفتگوی اسلامی، بنج خرده گفتگوی آرمان‌گرایی، مصالحت‌گرایی، واقع‌گرایی با
عمل گرایی، صلح‌گرایی و اصول گرایی تشخیص داده شده است و با نگاه به کل دوران
پس‌انقلاب، هفت گفتگوی (بنج گفتگوی والا به عنوان خرده گفتگوی‌های ذیل اسلام گرایی
در کتیپ ملت گرایی لیبرال، و اعتدال‌گرایی به عنوان یکی دیگر از خرده گفتگوی‌های
اسلام‌گرایی) مشخص شده‌اند (بنگرید به دهقانی فیروزآبادی ۱۳۸۴،۱۳۸۳،۱۳۹۶،). آنچه تحت عنوان ملت‌گرایی لیبرال خوانده شده در برخی عنصر با ساعر گفتگوی‌های
هم‌پوشانی دارد اما تفاوت‌های آن نیز زیاد است. در عین حال، با این توجه که این
گفتگوی را که محوریت آن را هم‌توانی دولتی میدر می‌داند و در دولت موقت و پس از آن
تا سال دو، دنبال می‌کند، هیچ‌گاه تعیین کننده و تعیین کننده کلی روابط خارجی
جمهوری اسلامی نبوده است.

به نظر می‌رسد با توجه به هم‌پوشانی هایی که میان گفتگوی‌ها وجود دارد، بتوان
گفتگوی اصلی را از هم متمایز کرد: واقع‌گرایی انحصاری یا عمل گرایی انحصاری (شامل
گفتگوی حاکم در دوره‌های سازندگی، اصلاحات و اعتدال) و آرمان گرایی رادیکال (شامل
گفتگوی حاکم در سال‌های جنگ و دوره اصول گرایی رادیکال). این گفتگوی‌ها از نظر

۱ شیکان ذکر است که پناهج (۱۳۹۲) اساساً پایان انقلاب را به یمن
(۱۳۸۴) و (۱۳۹۲) نیز گفتگوی اسلام‌گرایی سیاست
خارجی در این زمان به تثبیت می‌رسد و برقرار می‌ماند و از آن پس شاهد خرده گفتگوی‌های متنوع آن هستیم.

۱۳۹۶ آن را تا سال ۰۰ که تثبیت
جمهوری اسلامی است متدوم می‌پنداز. به پایان دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۴) و (۱۳۹۲) نیز گفتگوی اسلام‌گرایی سیاست
خارجی در این زمان به تثبیت می‌رسد و برقرار می‌ماند و از آن پس شاهد خرده گفتگوی‌های متنوع آن هستیم.
از گفتگو انقلاب اسلامی تا گفتگو سیاست خارجی جمهوری اسلامی/1393

نگاه به نظام بین‌الملل و فرصت‌ها و جالش‌هایی ناشی از آن تفاوت‌هایی در حال پدیدار شدن و به همین ترتیب در مورد اولویت‌های سیاست خارجی هم تفاوت‌هایی در میان آنها دیده می‌شود.

بنگردید به دهقاتی فیروزآبادی (1393).

بايد توجه داشته که پس از استقرار جمهوری اسلامی، به‌خصوصی تعیین کننده

خود» لاجرم در چارچوب دولت (و هنگام انقلاب و جنبش انقلابی) باید تعیین می‌شود.

دولت بودگی، خود همویی است که به اساس عضویت در جامعه بین‌الملل حاصل می‌شود و استقلال‌ها با خود دارد مانند حفظ امنیت ملی، تمامیت اراضی، پیشرفت منافع ملی، احترام به حاکمیت دیگران و مانند اینها که در بالا هم در اصول قانون اساسی به نحوی به آنها اشاره شده است. اگر تعیین «خود» بر اساس مولفه‌های انقلابی سه گانه پایه مشروعیت انقلابی/داخلی خود و تعیین دیگری/دشنست است، تعیین «خود» به عنوان دولت پایه مشروعیت بین‌المللی است. اینجا ممکن است بر اساس چگونگی تعیین، نوعی تعارض میان استقلال‌های دولت بودگی و هویت انقلابی/اسلامی برآمد از فراکس انقلاب مشکل‌گردد. لاجرم این پرشن باید پاسخ داده شود که عدالت‌جویی جهانی، حفظ استقلال به شکلی کامل و خذش‌نابذار، و مقاومت در برابر ظلم و بی عدلیتی و در برابر تلاش «دیگران» دشمن برای سلطه بر خود/ایا دیگران دوست در صورت تعارض با استقلال‌های منافع ملی دولت بودگی چه چیزی به باید؟ به نظر می‌رسد دو گفتگو تا حدی پاسخ‌شان متغیف است. عمل ارتباطی انتقادی بیشتر به دنبال تعارفی از این اصول تکونی بخش است که حتی مقدور با دولت بودگی و مشروعیت بین‌المللی در تعارض قرار نگیرد حال آنکه در چارچوب گفتگو آرمانگرایی رادیکال، مشروعیت بین‌المللی اهمیت کمتری پیدا می‌کند و مشروعیت در افق‌گیری عمومی یک مشروعیت در جامعه بین‌الملل را می‌گیرد.

در گفتگو آرمانگرایی رادیکال، به دلیل تأکید بر منافع فرامریک، منافع ملی

جاگاهی تانویه نسبت به صلاح اسلامی/انقلابی پیبدا می‌کند، تغییر سریع نظام

بین‌الملل به دلیل ماهیت ناعادلانه آن اهمیت ویژه‌ای می‌یابد و استقلال طلبی جنبه

تاجیمی پیدا می‌کند و در کل می‌توان گفت دولت بودگی نقش کردنگ‌تری در تعیین هویت «خود» دارد. در گفتگو عمل گزاری انتقادی، با وجود توجه به منافع جهانی و
حتی اولویت نسبی به آن در حوزه‌های محدود، در مجموع اهمیت منافع ملی پرداخته است، با وجود تأکید بر ناعادلانه بودن نظام موجود بین‌المللی، تغییر نظام بین‌الملل امری زمانی بر تلقی می‌شد و در عین حال تلاش می‌گردید از ابزارهای نهادی و گفتگوی خود نظام بین‌الملل برای نقد و تغییر آن استفاده شود، استقلال تعریفی متعارف‌تر، پیدا می‌کند و بر تعامل با نظام بین‌الملل تأکید زیادی می‌شود و دولت بودگی نقش بیشتری (به نسبت آنچه در گفتگوی نخست می‌گویند) در تعریف خود ایفا می‌کند.

در مورد دیگری‌های دشمن می‌پینم که عدم شناسایی اسرائیل به یکی از ارکان تعیین‌کننده هیئت جمهوری اسلامی تبدیل می‌شود و رابطه این امر با امیرکا هیز هرگز به شکل عادی برای گردید و آن نیز در عمل به یکی از ارکان هیئت‌های پایدار بدل می‌گردند. در هر دو گفتگو اسلامی و اسرائیلی دو دیگری دشمن هستند اما راه‌های روابطی با آنها تا حدودی تفاوت‌پذیر می‌کند. از میان سایر دوگرهای دشمن، به نظر می‌رسد بریتانیا جایگاه مهمتری می‌یابد اما روسیه (به ویژه پس از فروپاشی اتحاد شوروی) و تا حدی نیز چین کنترل به معنی شدن و حتی گاه به معنی دوستی و متحد مطرح می‌گردد. خودهای فراسرمینی نیز کمایی و یکسان هستند. فلسطین و شاید تا حدودی به تبع آن، کنشگران حامی آن اصلی ترین خودهای جمعی را ایران تشکیل می‌دهند که پایه مهمی در انتلاف‌سازی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای ایران هستند.

با وجودی که معمولاً در تحلیل گفتگوی سیاست خارجی بر تفاوت‌های میان‌رود، آنها تأکید می‌شود، اما هنگامی که آنها را در ذیل یک لاک گفتگوی وسیع‌تر قرار می‌دهیم درباره به همه آنها در سه عناصر اصلی هیئت‌های یکسان، معنی استقلال جویی، عدالت جویی و مقاومت اشکار دارد اما در مورد تعیین دقت و ححد و تغییر آن است که تفاوت‌های آنها آشکار می‌شود و همین تفاوت‌ها به عرضه سیاست گفتگوی روابط خارجی ایران (با حتمی در سال‌های اخیر به عرضه سیاست در ایران) معنی عرضه رقابت بر سر تعیین دقت و معنی شکل می‌دهد. در مورد خود و دیگر‌ها اصلی سیاست خارجی نیز می‌توان بیشتر از اشکار در هیئت‌های بخشی به آنها و تفاوت نسبی در نوع برخورد با آنها تأکید کرد.
نتیجه‌گیری
گفتمان سیاست خارجی به مثابه گفتمان انقلابی

همان گونه که بحث فوق نشان می‌دهد گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی بیش از هر چیز در پیوند با عنصر گفتمان انقلاب اسلامی شکل گرفته است. دیده‌یم که سه دال محوری استقلال، عدالت و مقاومت جایگاهی ویژه‌ای در گفتمان انقلاب داشتند و تداوم آنها در اصول و قواعد تکوینی و هویت‌بخش «خود» در قانون اساسی جمهوری اسلامی دیده می‌شود و هم در هر دو گفتمان مهم قوام‌بخش سیاست خارجی ایران در دوران پس از انقلاب. انتخاب ناپاییدن هر دو گفتمان است امکان فرا رفت‌ن آنها را نمی‌دهد زیرا با هورت «خود» گه‌خورده‌اند. تفاوت در میان دو گفتمان اصلی بیشتر در میزان قوام‌بخشی دو هویت دویلی و انقلابی است و نه فارفتن از یکی به نفع دیگر.

به همین ترتیب، دیده‌یم که در انقلاب دو دیگری اصلی تعویض‌شده به عنوان دشمن، امریکا و اسرائیل بودند. این تخصص در گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز تداوم می‌یابد. در این دوره جوزه، باز به دلیل تبیین شدن تخصص به هویتی ثابت است که می‌بینیم اگر نوع رابطه با این دو حتی در تعارض با منافع ناشی از دولت‌بودگی قرار گیرد، تغییر چندانی در آن دیده نمی‌شود.

نکته شایان توجه در اینجا آن است که اصل امنیت ملی اگرچه از قواعد مهم دولت-بودگی است، اما به این دلیل که در پیوند با انقلاب و اسلام قرار گرفته است (قلمب حفظ املقری، یا صنایع جمهوری اسلامی به عنوان امر واجب دینی) حداصل در شرایط برمخارطه اولویت قطعی بپدا می‌کند.

با این توجه داشته که در عمل در سال‌های پس از انقلاب، تعاملات بین المللی نیز در تعريف دگرها نقش زیادی داشتند. دگرهايی چون عراق یا حتی عربستان سعودی بیشتر در پیوند با نوع تعاملات با آنه‌هاست که هویت‌بان تعريف شده است و کمتر متأثر از دگرهاي مستقیم انقلابی پویه‌سند و به همین دلیل لزوماً ثابت نیستند. حتی رابط‌ها بسیاری از کشورهای اروپایی و نیز اتحادیه اروپا و هویت‌سازی از آنها کم و بیش در همین تعاملات شکل گرفته است. در مورد امریکا شاید بتوان گفت تفاوت دو گفتمان
در این است که در گفتمان آرمان گرایی نوع تعاملات با آمریکا و به طور خاص رفتار آن کشور تأثیری در ساخت و بازاری هویتی آن (مثل‌اً تبیین آن از دشمن به رقیب یا تغییر در صفات و ویژگی‌های آن ندارد) ندارد اما در گفتمان عمل گرایی نیز حذف (ولو محدود) ساخت هویتی آن از رفتار و تعاملات متأثر می‌شود.

نکته دیگر در مورد گفتمان سیاست خارجی آن است که در عمل بسیاری از منافعی که در وحده نخست بر اساس منافع جهانی و غیرملی شکل گرفته بودند (مانند حمايت از فلسطین و متحدان آن و خصوصاً با اسرائیل و متحدان آن) به نوعی به منافع ملی در سال‌های بعد شکل دادند (مانند تعیین از عمق استراتژیک با قدرت منطقه‌ای ایران). گفتمان انقلاب اسلامی تا حد زیادی در امکان پذیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی نقش تکوینی داشته است اما در عین حال به این معنا نیست که نقش تکوینی نظام بین الملل و نوع تعاملات با دیگران در قوام این گفتمان را بتوان تمام‌اً نادیده گرفت.

منابع و مآخذ

1. ابراهیمی، شهروز. (سال ۱۳۸۸) «بررسی واساسانه نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران و بین‌المللی در جهت امنیتی و ایمنی گرایی» روایت خارجی. ۴.
2. ارغوانی پیرسالی، فربیز. (سال ۱۳۹۴) «انقلاب اسلامی و گفتمان نوجه در سیاست خارجی ایران» پژوهشنامه انقلاب اسلامی. ۱۶.
3. افتخاری، اصغر (سال ۱۳۹۱) «مفهوم و جایگاه جنگ نرم در گفتمان انقلاب اسلامی» پژوهشنامه انقلاب اسلامی. ۱.
4. افتخاری، اصغر و جانی پور، محمد. (سال ۱۳۹۲) «منابع قدرت نرم انقلاب اسلامی» پژوهشنامه انقلاب اسلامی. ۱.
5. پتاهی، محمدحسین (سال ۱۳۸۸) «بررسی زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران بر اساس شعرهای انقلاب» فصلنامه علوم اجتماعی. ۱۱ و ۱۲.
از گفتمان انقلاب اسلامی تا گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی / 11

6. ___________ (1392) جامعهشناسی شعارهای انقلاب اسلامی. تهران: نشر علم.
7. تاجیک، محمدرضو و دهقانی، فیروزآبادی، سید جلال. (1382) «الگوهای صدور انقلاب در گفتمانهای سیاست خارجی» راهبرد 27.
8. جمالزاده، ناصر. (1391) «قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب» پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی 4.
9. حداد، غلامرضا. (1394) «ساختار عملکردی نواصو گرایان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی» پژوهش‌نامه علوم سیاسی 29.
10. حسن‌زاده، اسماعیل. (1386) «هویت ملی در شعارهای انقلاب اسلامی» مطالعات ملی 8.
12. دهقانی، ویروزآبادی، سید جلال. (1379) تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات روزنامه ایران.
13. ___________ (1384) تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات موسسه ایران.
14. ___________ (1393) چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران/ از دولت بازرگان تا دولت روحانی. تهران: مخاطب.
15. ___________ (1394) «چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» قابل دسترسی در: http://www.dastavardha.com/articles رهبر، عباسعلی، نجات‌پور، مجید و موسوی‌نژاد، مجتبی. (1394) «قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی» پژوهش‌های راهبردی سیاست 44.
فصلنامه سیاست خارجی، سال ۳۲، زمستان ۱۳۹۷، شماره ۴

۱۷. سیمیر، رضا و فضحی مقام لاکتی، سامرف، (۱۳۹۴) "دولتمردان، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، ۱۴. ۶۱.

۱۸. جعفری، علی اکبر و جانبازی، دیمان، (۱۳۹۵) "تنوع گفتگوی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و وجود دیپلماسی نوین هسته‌ای، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۴. ۶۱.

۱۹. خمینی، روح الله، (۱۳۹۸) صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی (س) (جلد ۴).

(مهر ۱۳۵۷ - آبان ۱۳۵۷). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۲۰. _______ (۱۳۷۸) صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی (س) (جلد ۵).

(آبان ۱۳۵۷ - بهمن ۱۳۵۷). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۲۱. صنیع الحلال، مرتضی، (۱۳۹۶) "رویکرد انقلاب اسلامی در سیاست خارجی ایران و آینده توسعه علم و فناوری در نظام شیکهای بین‌المللی، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، ۷. ۲۵.

۲۲. ظریف، محمدرضا و سجاد نصیری، سید مهدی، (۱۳۹۷) "صورت بندی گفتگوی مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران،" دانش سیاسی، ۱۰. ۱.

۲۳. منتقد، ابراهیم و ازرمی، علی، (۱۳۹۳) "گفتگوی سیاست خارجی دهه چهارم انقلاب اسلامی (تعامل گرای ضد نظام هزمونیک) از منظر تنوری سازه‌گرایی، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، ۷. ۱۲.

۲۴. مشیرزاده، حبیب، (۱۳۹۷) مبانی نظری تبیین و تحلیل سیاست خارجی.

(تهران: سمت.

۲۵. ملکی، عباس، (۱۳۸۷) "انقلاب اسلامی، نظام بین‌الملل و دهه چهارم انقلاب،" مقاله ارائه‌شده در همایش ملی سی سال انقلاب اسلامی: دستاوردها، آسیب‌ها و فرصت‌ها. تهران: دانشگاه صنعتی شریف. قاب‌دسترسی در: https://www.civilica.com/Paper-30YEARS01-

۲۶. میلیکن، جنیفر، (۱۳۸۵) "مطالعه گفتگوی در روابط بین‌الملل: نقد پژوهش و "روش" ترجمه حمیرا مشیرزاده. پژوهش حقوق و سیاست، ۲۱، ۲۰۹-۲۰۲۵.
از گفتگان انقلاب اسلامی تا گفتگان سیاست خارجی جمهوری اسلامی

27. هوکس، ترنس (1386) استعاره. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نشر مرکز
28. هنری، یدالله و آزرمی، علی (1392) «بررسی و تحلیل فرانک استقرار و انسجامیابی
گفتگان انقلاب اسلامی ایران بر اساس نظریه گفتگان لاکلا و موکه.» پژوهشنامه
انقلاب اسلامی 8، 2
29. یدای، عنايت الله و خجسته، چمیل، (1391) «بررسی تطبیقی «صدور انقلاب» در
گفتگان های سیاسی جمهوری اسلامی.» پژوهشنامه انقلاب اسلامی 1
30. یدای، عنايت الله و نازاندینه، روبا، (1392) «کاریست دیپلماسی عمومی در
سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب اصول و ارزش‌های انقلاب
اسلامی.» پژوهشنامه انقلاب اسلامی 2
31. بورگنشن، ماریان و فیلیپس، لوئیز، (1389) نظریه و روش در تحلیل گفتگان.
ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.


44. Wæver, Ole (1996) *Discourse Analysis as Foreign Policy Theory: The Case of Germany and Europe*. Berkeley, CA: Center for German and European Studies, University of California at Berkeley.